

مقاله پژوهشی

بررسی چالش‌های مشارکت سیاسی در ایران بین سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰

محمد علی حسن نیا^۱، سعید مقیمی^۲ و میر ابراهیم صدیق^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۰۴

چکیده: هدف از انجام این پژوهش، بررسی چالش‌های مشارکت سیاسی در ایران بین سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ می‌باشد. روش تحقیق به لحاظ ماهیت داده، کیفی از نوع اکتشافی و به لحاظ هدف از نوع توسعه‌ای است. جامعه آماری پژوهش را خبرگان و اساتید حوزه علوم ارتباطات سیاسی تشکیل می‌داد که از طریق نمونه‌گیری هدفمند قضاوتی به تعداد ۱۲ نفر انتخاب گردید و تعداد انتخاب نمونه به صورت اشباع نظری بود. ابزار اندازه‌گیری پژوهش را مصاحبه نیمه‌ساختاریافته تشکیل می‌داد که قبل از اجرا از طریق نظر خبرگان مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از طریق تحلیل مضمون انجام شد. اعتبار و اطمینان داده‌ها با استفاده از روش‌های مختلف از جمله بازبینی توسط افراد مختلف مورد تأیید قرار گرفت. نتایج منجر به شناسایی شش مضمون فراگیر (چالش سیاسی، چالش اقتصادی، چالش قانونی، چالش محیطی، چالش رسانه و چالش حاکمیتی)، ۲۹ مضمون سازمان‌دهنده و ۱۳۶ مضمون پایه گردید. لذا توجه به چالش‌های شناسایی شده می‌تواند باعث افزایش مشارکت سیاسی در کشور شود و همچنین رضایتمندی مردم را در پی داشته باشد.

واژگان اصلی: انتخابات، مشارکت سیاسی، مسائل اقتصادی، رسانه، ایران.

^۱ . دانشجوی دوره دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

m.a.hasannia@iau.ac.ir

^۲ . گروه علوم سیاسی، کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسئول) moghimikiau@iau.ac.ir

^۳ . گروه علوم سیاسی، کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. e.seddigh@iau.ac.ir

مقدمه و بیان مساله

مشارکت سیاسی در مطالعات اخیر در مورد رفتار سیاسی شهروندان، مشروعیت دموکراتیک، عملکرد دموکراتیک همراه با افزایش احساسات پوپولیستی^۱ (اوزر و هوگه^۱، ۲۰۱۸: ۷۱۱)، جامعه مدنی و الکترونیک مورد توجه قرار گرفته است. انقلاب مشارکت سیاسی برای مشروعیت دموکراتیک مهم است (جانسون^۲، ۲۰۱۵: ۷۶۵-۷۶۶). زیرا در قلب دموکراسی مدرن قرار دارد (ادر و اساتیدلمن-استفن^۳، ۲۰۱۷) و جامعه مدنی بدون آن، هیچ دموکراسی مؤثری نمی‌تواند وجود داشته باشد^۴ (ویتلی^۴، ۲۰۱۲: ۳۴). اعتقاد بر این است که مشارکت سیاسی نه تنها باعث احیای دموکراسی می‌شود، بلکه منجر به مسئولیت‌پذیری، توسعه انسانی و رشد متعادل اجتماعی-اقتصادی نیز می‌شود (برودی و همکاران^۵، ۲۰۰۹؛ ابوالدی و همکاران^۶، ۲۰۱۷). با این حال، تنوع گسترده تعاریف مشارکت سیاسی منجر به نتایج پژوهشی متفاوتی شده است، از جمله آنهایی که مشارکت‌های مدنی غیرسیاسی را مشارکت سیاسی می‌دانند. برای مثال، در برخی از مطالعات، «پوشیدن نشان یا برجسب» (اوزر و هوگه، ۲۰۱۸)، «حضور در یک انجمن مدنی، ثبت نام برای دنبال کردن یک سیاستمدار» (یاماموتو و ناح^۷، ۲۰۱۸)، مشارکت سیاسی در نظر گرفته شده و همراه با کنش‌های سیاسی مشخص‌تر اندازه‌گیری می‌شوند. هن و همکاران^۸ (۲۰۱۸) مشارکت سیاسی را حتی شامل فعالیت‌های اجتماعی خاصی مانند «فعال بودن در یک سازمان داوطلبانه، مانند انجمن اجتماعی، گروه خیریه، یا یک باشگاه ورزشی» و «بحث کردن در مورد سیاست با خانواده یا دوستان، به عنوان اقدامات سیاسی غیر نهادی بیان می‌کند. به طور مشابه، کیلی‌بایوا و همکاران^۹ (۲۰۱۷) فعالیت‌های زیر را مشارکت سیاسی در تحقیقات خود می‌دانستند: بحث درباره مسائل سیاسی با خانواده

^۱ Oser & Hooghe

^۲ Johnson

^۳ Eder & Stadelmann-Steffen

^۴ Whiteley

^۵ Brodie & et al

^۶ Ivaldi & et al

^۷ Yamamoto & Nah

^۸ Henn & et al

^۹ Kilybayeva & et al

و دوستان، علاقه و توجه جوانان به سیاست، نظر جوانان که سیاست مهم است، خواندن و تماشای اخبار، و مشارکت مدنی (داوطلبانه، خیریه و غیره). استرومبک و همکاران^۱ (۲۰۱۸، ص ۴۳۲)، مشارکت سیاسی در رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی، وب‌سایت‌ها و وبلاگ‌های سیاسی را به عنوان اشکال مشارکت سیاسی آنلاین ارائه کردند. بسیاری از مطالعات تحقیقاتی اضافی، فعالیت‌های اجتماعی را مشارکت سیاسی می‌دانند. اگر کسی تماشای اخبار یا خواندن وبلاگ‌های سیاسی را مشارکت سیاسی به حساب آورد، می‌توان گفت که اکثریت قریب به اتفاق مردم در سیاست شرکت می‌کنند. اما این کاملاً دقیق نیست. در نتیجه، استفاده نادرست از مفهوم مشارکت سیاسی منجر به نتایجی مبالغه آمیز در مطالعات مختلف شده است. در این تحقیق ضمن بررسی دقیق مفهوم مشارکت سیاسی به بررسی چالش‌های مشارکت سیاسی در جامعه ایران طی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۴۰۰ پرداخته می‌شود. لذا این مسأله از دید خبرگان و متخصصان سیاسی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. به همین دلیل سؤال اصلی پژوهش این است که چالش‌های مشارکت سیاسی در ایران بین سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ چیست؟

ضرورت مساله

مشارکت ابعاد مختلفی دارد که مهمترین آن مشارکت سیاسی است. دامنه تعریف مشارکت سیاسی نیز تا حدودی گسترده است. در اغلب این تعاریف، مشارکت سیاسی فعالیتی است با هدف انتخاب حاکمان و مشارکت در تصمیم‌گیری در نظر گرفته می‌شود. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، ساختار حکومتی جمهوری اسلامی با چالش‌هایی در زمینه مشارکت سیاسی روبرو بوده است که پس از دهه ی هشتاد شمسی این چالش‌های رو به کثرت نهاده است. چه اینکه شکل جدی مشارکت سیاسی در انتخابات ۱۳۷۶ و انتخاب محمد خاتمی اتفاق افتاد که مردم برای اصلاحات سیاسی به پای صندوق‌های رای آمدند. در این دوره ادبیات دولت در زمینه مشارکت سیاسی مردم به نقل از روزنامه‌های آن زمان نشان از نوعی کنشگری دارد که اراده توسعه سیاسی و مشارکت حداکثری مردم وجود داشت. این رویکرد البته در اواخر دولت دوم خاتمی شکل کنشگری خود را از دست داد و شعارهای احمدی نژاد دوباره مردم را برای تغییر پای صندوق‌های رای آورد اما این بار تغییری به امید تقویت معیشت و اقتصاد، مورد توجه عموم بود. لذا مشارکت سیاسی این بار از نظر اقتصادی مورد توجه قرار گرفت. انتخابات سال ۱۳۸۸ یکی از تنش‌زا ترین انتخابات تاریخ انقلاب اسلامی بود که مشارکت سیاسی بین دو گروه از رای دهندگان شکل گرفت گروهی احمدی نژاد را نشانه ای برای برون رفت مردم از مشکلات معرفی می‌کردند و گروهی دیگر میرحسین موسوی را ضامن تغییر می‌دانستند. تقابل این دو جریان، موجبات کاهش دوباره مشارکت سیاسی را در دولت یازدهم، فراهم آورد. با این وجود، حسن روحانی در دور اول ریاست جمهوری خود سعی در مدیریت شرایط اقتصادی و سیاسی مردم داشت که با بحران‌هایی نیز مواجه بود. به هر صورت مردم در دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی سعی در مشارکت سیاسی

^۱ Strömbäck & et al

داشته اند که البته با توجه به دلایل مختلف از جمله، خروج امریکا از برجام، که در دولت دوازدهم اتفاق افتاد رویکرد مردم به مشارکت سیاسی در دولت سیزدهم به حداقل خود رسید.

اهمیت موضوع

جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی همواره انتخابات زیادی برای انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و اعضای شورای شهر و همچنین تصویب قانون اساسی، بازنگری آن و برپایی نوع حکومت جدید برگزار کرده است که این انتخابات با درصدی از مشارکت سیاسی مردم روبرو بوده است. تا زمان نگارش این مقاله در دوران جمهوری اسلامی ایران ۳۹ انتخابات برگزار شده است که میزان مشارکت مردم متفاوت بوده است. ۱۳ انتخابات در حوزه ریاست جمهوری، یازده انتخابات برای انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی، برگزاری ۵ دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ۶ دوره انتخابات شورای شهر و روستا و همچنین انتخابات همه‌پرسی نظام جمهوری اسلامی، خبرگان قانون اساسی، تأیید قانون اساسی و بازنگری قانون اساسی از جمله انتخاباتهای برگزار شده در دوران حکومت جمهوری اسلامی در ایران است. همواره جمهوری اسلامی درصدی بوده که میزان مشارکت مردم را به عنوان بخشی از مقبولیت عام خود برای حکمرانی باشد. یکی از راهکارهای اصلی برای رسیدن به مشارکت حداکثری مردم وجود احزاب قدرتمند و با ریشه در کشور است. این موضوع سبب می شود مشارکت مستقیم و توده های که مدنظر جمهوری اسلامی در تمام دوران انتخابات بوده است، نظم جدی به خود گرفته و ایده مشارکت حداکثری مردم را محقق کند. از سوی دیگر یکی از شاخصهای اصلی توسعه سیاسی در کشور، مشارکت آزادانه مردم در انتخابات و آزادی برای انتخاب افراد مورد قبول خود است که به توسعه سیاسی حداکثری منجر می شود. احزاب یکی از پایه های اصلی این توسعه سیاسی خواهند بود. از سال های ابتدایی انقلاب اسلامی و در سال های ابتدایی نقش احزاب بسیار پررنگ بود و لیست های انتخاباتی زیادی بر مبنای احزاب مختلف شکل می گرفت (سریع القلم، ۱۳۸۱: ۱۰۴). از این سو همواره مشارکت در انتخابات های مختلف دارای فراز و نشیب زیادی بوده است. از همین رو مد نظر داریم که میزان مشارکت انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شورای شهر روستا در ایران را بین سال های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ را مورد بررسی قرار دهیم تا چالش های مشارکت سیاسی در ایران مورد بحث قرار گیرد. بر این مبنا، مسئله اصلی این پژوهش، فهم و روشن کردن چالش های موجود در زمینه ی مشارکت سیاسی در ایران در سال های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ است. یکی از مهمترین دلایل عدم مشارکت در انتخابات در این چهار سال مشکلات اقتصادی عدیده بود. بسیاری از مردم بر این باورند که افزایش تورم، روند بالا رفتن تحریم و قیمت ها از مهمترین دلایل عدم حضور در انتخابات است. از سوی دیگر وضعیت اقتصادی از سال ۱۳۹۷ وارد مرحله بحرانی شد و «دونالد ترامپ» با تحریم ایران و خروج از برجام مشکلات اقتصادی را چند برابر کرد.

چارچوب نظری

در این پژوهش سعی می شود تا در ابتدا نظریات متعدد و متفاوت در زمینه مشارکت سیاسی مورد تبیین قرار گیرد. با این حال، رویکرد دموکراسی مشارکتی که از ژان ژاک روسو و جان استوارت میل، مایه گرفته است

چارچوب نظری این پژوهش را تشکیل می‌دهد. دموکراسی مشارکتی، به نوعی از دموکراسی گفته می‌شود که در آن شهروندان به‌جای نمایندگان منتخب، به‌طور فردی و مستقیم در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های سیاسی که بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد، مشارکت می‌کنند. مشارکت عمومی، در این زمینه، شامل اجازه به ورود عموم مردم در فعالیت‌های یک دولت است. این می‌تواند هر فرآیندی باشد که به‌طور مستقیم مردم را در تصمیم‌گیری درگیر می‌کند و به ورودی آن توجه می‌کند. این که مشارکت سیاسی تا چه حد باید ضروری یا مناسب تلقی شود، مورد بحث در فلسفه سیاسی است.

براساس رویکرد فوق، پیوستن به احزاب سیاسی به شهروندان اجازه می‌دهد تا در سیستم‌های دموکراتیک شرکت کنند، اما دموکراسی مشارکتی در نظر گرفته نمی‌شود. چه اینکه دموکراسی مشارکتی در وهله اول به حصول اطمینان از اینکه شهروندان فرصتی برای مشارکت در تصمیم‌گیری در مورد مسائلی که بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد، می‌پردازد. این مفهوم جدیدی نیست و از زمان دموکراسی آتن به اشکال مختلف وجود داشته است. نظریه مدرن آن توسط ژان ژاک روسو در قرن هجدهم توسعه یافت و بعداً توسط جان استوارت میل و جی دی اچ کول ترویج شد، که استدلال کردند که مشارکت سیاسی برای یک جامعه عادل ضروری است. در اوایل قرن بیست و یکم، دموکراسی مشارکتی به‌طور گسترده‌تری مورد مطالعه و آزمایش قرار گرفت، که منجر به ایده‌های اصلاحی نهادی مختلفی مانند بودجه‌بندی مشارکتی شد. اصول دموکراسی مشارکتی را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد:

✓ اصل مشارکت معتقد است که برای داشتن یک دولت مؤثر، همه گروه‌های سیاسی مهم باید فعالانه در موضوعاتی که مستقیماً بر آنها تأثیر می‌گذارد مشارکت داشته باشند و فرصتی برای تأثیرگذاری بر سیاست‌ها داشته باشند.

✓ اصل مشارکت در تمام مراحل تصمیم‌گیری، اطمینان از مشارکت فعال بازیگران جامعه مدنی، شرکت‌کنندگان فردی و سایر سهامداران کلیدی در توسعه و نظارت بر قوانین و سیاست‌ها، از جمله بودجه و استفاده از بودجه عمومی، حیاتی است. این اصل شامل اصول فرعی دیگر به شرح ذیل است:

✓ اصل اول: حفاظت و پرورش آزادی‌های اساسی و فضای مدنی.

✓ اصل دوم: صداقت انتخاباتی و کثرت‌گرایی سیاسی.

✓ اصل سوم: سیاست‌گذاری فراگیر.

✓ اصل چهارم: همبستگی در برابر فشار استبدادی.

پیشینه پژوهش

در این قسمت به بررسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه موضوع پژوهشی پرداخته می‌شود.

نوریان و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به تبیین ژئوپلیتیک مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران؛ از مفهوم تا کارکردها پرداختند. در این پژوهش براین اعتقادند که مشارکت سیاسی به عنوان یکی از اصول اساسی در نظام‌های دموکراتیک، نقش مهمی در توسعه و ثبات جوامع ایفا می‌کند. در جمهوری اسلامی ایران مشارکت سیاسی به عنوان یک اصل مهم در قانون اساسی و برای تحقق اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی مورد تاکید قرار گرفته است. لذا این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران و کارکردهای آن می‌پردازد. بنابراین پنج کارکرد اصلی شامل تقویت نقش زنان و حضور آنان در صحنه‌های فرهنگی و اجتماعی، تقویت هویت فرهنگی، تقویت فعالیت احزاب و جریان‌های سیاسی، ایجاد بستر فرهنگی برای مشارکت مردم در امور کشور و در نهایت تقویت مطالبات اجتماعی و سیاسی ارزیابی می‌شود. این فرضیه مطرح شد که مشارکت سیاسی مبنای گسترش کارکردهای فوق‌الذکر است. در این راستا مفهوم مشارکت سیاسی و اهمیت آن و کارکردهای آن مورد بررسی قرار گرفت و تأثیر آن بر توسعه دموکراسی، نظام سیاسی، جامعه مدنی و حقوق اجتماعی و سیاسی مردم مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج نشان داد که مشارکت سیاسی در قالب مشارکت در انتخابات و سایر فعالیت‌های مشارکتی شامل کارکردهای مورد نظر در این پژوهش بوده و این خود دلیلی بر وجود مشروعیت سیاسی در نظام است. بنابراین، نتایج می‌تواند درک عمیق‌تری از نقش و اهمیت این مشارکت و تأثیر آن بر توسعه و پیشرفت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور را برای سیاست‌گذاران این حوزه فراهم کند.

شب افروز اکبری و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به بررسی و تحلیل بحران‌های درهم تنیده در دولت حسن روحانی و پیامدهای آن در مشارکت سیاسی (۱۳۹۲-۱۴۰۰) پرداختند. در این پژوهش براین اعتقادند که چه در دوران قبل و چه در دوران پس از انقلاب، موقعیت حساس ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک ایران و نیز ایدئولوژی انقلابی اسلامی آن، ایران را به یک بازیگر بسیار مهم در سطح منطقه و بین‌المللی تبدیل کرده است. این موقعیت حساس و مخاطره‌آمیز کشور را در معرض حوادث و رویدادهای مختلفی از جمله تحریم‌های اقتصادی قرار داده است. سناریوهای حاصل و خلاءهای بالقوه قدرت می‌تواند شکافی در مشارکت سیاسی و جامعه ایجاد کند که منجر به شکاف مشروعیت، مسائل مربوط به اقتدار و اختلال در وحدت ملی شود. با توجه به اهمیت لحظه کنونی و شرایط پیش رو، تحلیل و ارائه راه حل برای بحران‌های احتمالی مرتبط با مشارکت سیاسی برای جامعه علمی ضروری است. همچنین موانع متعدد داخلی و ساختاری به عنوان چالش‌های مهمی برای مشارکت سیاسی جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه گذشته پدید آمده است که منجر به بحران و مشکلات جدی در مشارکت سیاسی شده است.

روانبخش محمدی پشتهانی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به نقش شبکه‌های اجتماعی و آینده مشارکت سیاسی پرداخته شده است. در این پژوهش براین اعتقادند که اگر نگاه حاکمان به فعالیت شبکه‌های اجتماعی مثبت باشد، فعالیت این شبکه‌ها گسترش یافته و مشارکت مردم در امور سیاسی و انتخابات را افزایش می‌دهد. اگر مدیران جامعه نگاه منفی به فعالیت این شبکه‌ها داشته باشند در آینده با جلوگیری از فعالیت و گسترش این شبکه‌ها مشارکت سیاسی خواهند داشت.

عباسی شوازی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به مطالعه رابطه جامعه‌پذیری سیاسی، آگاهی سیاسی و اثربخشی سیاسی بر مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز پرداختند. نتایج نشان داد رابطه بین آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی کل و مشارکت در فضای آنلاین و آفلاین معنادار نبوده و تنها تأثیر غیرمستقیم دارد. اما از سوی دیگر رابطه اثربخشی سیاسی با مشارکت سیاسی کل و مشارکت آنلاین معنادار است و در اینجا اثربخشی سیاسی متغیر میانجی بر رابطه بین دو متغیر تأثیر گذاشته است. یافته‌ها: نتایج آزمون مدل تحقیق نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری سیاسی با متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) $\beta = ۰.۵۶$ درصد) بیشترین رابطه معنادار را داشته است. همچنین آزمون مدل تحقیق نشان می‌دهد که مجموع متغیرهای تحقیق مستقل می‌تواند ۴۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق یعنی مشارکت سیاسی دانشجویان را تبیین کند.

ملنفث و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به فراتحلیل مطالعات دینداری و مشارکت سیاسی پرداختند. نتایج نشان داد که رابطه بین همه ابعاد دینداری و مشارکت سیاسی معنادار است، در حالی که بعد عاطفی دینداری بیشترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی دارد و بعد از آن بعد مناسکی و تبعی در رتبه‌های بعدی تأثیر قرار می‌گیرد اما بعد شناختی و تجربی، کمترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی داشتند. به طور کلی بین دینداری و مشارکت سیاسی در مطالعات انجام شده در ایران رابطه متوسطی وجود دارد. با توجه به شرایط اجتماعی جامعه ایران و مطالعات انجام شده در این زمینه، مشارکت سیاسی به عنوان یک رفتار اجتماعی متأثر از عوامل مختلفی از جمله دینداری شهروندان است، بنابراین این عامل در تعامل با سایر عوامل جامعه بر رفتار مشارکت سیاسی شهروندان تأثیر می‌گذارد. تأثیر می‌گذارد.

احمدی سفیدان و نصیرزاده (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی وضعیت مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم و دهم پرداختند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که مشارکت سیاسی عامل کاهنده اضطراب اجتماعی و فشارهای روانی محسوب می‌شود، زیرا شهروندان به صورت مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند در گزینش دولتمردان و حکومت یا قوانین نقش داشته باشند. در انتخابات ریاست جمهوری نهم و دهم تکیه بر ارزشهای مذهبی، فعالیتهای گسترده تبلیغاتی و مناظرات رسانه‌ای و رفتار عامه‌پسندانه از مؤلفه‌های تأثیرگذار در افزایش مشارکت سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری نهم و دهم بود. بنابراین، براساس نظریه نوریس ایدئولوژی و باورهای مذهبی در سطح خرد (منابع و انگیزه)، عملکرد دولت خاتمی در سطح کلان و خرد (ساختار دولت و انگیزه)، فعالیتهای تبلیغاتی و مناظرهای در سطح میانی (قوانین انتخاباتی) و عملکرد پوپولیستی احمدی‌نژاد در سطح خرد (منابع و انگیزه) در وضعیت مشارکت سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم و دهم قابل تبیین است.

محمّدی و باوندپوری و محمد رحیم عیوضی (۱۳۹۸) در پژوهشی به نهادینه نشدن احزاب در ایران و تأثیر آن بر آینده انتخابات پرداختند. نتایج حاکی از آن است که عدم نهادینگی احزاب در ایران باعث خواهد شد که؛ اول، گزینش افراد فاقد صلاحیت به دلیل عدم آموزش انتخاباتی، دوم، تأثیرگذاری سازمانهای مردم‌نهاد بر انتخابات، سوم، کاهش مشارکت انتخاباتی به دلیل فقدان احزاب مردمی، چهارم، سوءاستفاده مخالفان از مشارکت سیاسی انتخاباتی، و پنجم، شخصیت محورشدن انتخابات اتفاق بیافتد.

ابراهیمی کیایی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به مشارکت سیاسی و عوامل اجتماعی موثر بر آن پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین مشارکت انتخاباتی افراد بیشتر از مشارکت غیر انتخاباتی آنان است و زنان بیشتر از مردان به دنبال کسب منفعت در جریان انجام فعالیت‌های سیاسی‌اند. یافته‌ها همچنین حاکی از آن است که انواع مشارکت سیاسی با سه متغیر اصلی مطرح شده رابطه معناداری دارند. در رگرسیون خطی چند متغیره بین متغیرهای وابسته مشارکت سیاسی انتخاباتی، غیر انتخاباتی و کل با متغیرهای مستقل احساس اثربخشی سیاسی، کسب منفعت و عزت اجتماعی مشخص گردید که در هر سه مدل نهایی ارائه شده، متغیر کسب عزت اجتماعی از مدل خارج گردیده است و میزان تاثیر گذاری احساس اثربخشی سیاسی بر انواع مشارکت سیاسی بیشتر از میزان تاثیر گذاری متغیر کسب منفعت بر متغیرهای وابسته مذکور است.

عبدالمطلب (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر مؤلفه‌های مذهبی بر رفتار رأی‌دهی و مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی پرداخته و نتایج نشان می‌دهد تأثیر مؤلفه‌های مذهبی به عنوان یک شاخص کلی در مشارکت سیاسی و رفتار انتخاباتی در ادوار مختلف انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری، همواره یکی از مهم ترین شاخص‌های رفتاری مشارکتی است.

آلبرتو آردول ابرو و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به تأثیر باورهای توطئه بر اشکال متعارف و غیر متعارف مشارکت سیاسی: نقش میانجی اثربخشی سیاسی پرداختند. نتایج حاکی از آن است که افرادی که عقاید توطئه دارند تمایل دارند که سیستم سیاسی کمتر به خواسته‌های شهروندان پاسخ دهد.

مغدلینا کیتانوا (۲۰۱۸) در پژوهشی به مشارکت سیاسی جوانان در اتحادیه اروپا: شواهدی از یک تحلیل فراملی پرداخته و نتایج نشان می‌دهد که مشارکت جوانان در حالت‌های مختلف مشارکت سیاسی به طور قابل توجهی در دموکراسی‌های متمایز متفاوت است، جایی که افراد مستقر در دموکراسی‌های مستقر اتحادیه اروپا به احتمال زیاد فعالیت سیاسی دارند. این یافته‌ها نگرانی‌های جدیدی را در مورد سطح موجود مشارکت جوانان در سیاست در دموکراسی‌های پیشرفته و جدید ایجاد می‌کند. این مقاله همچنین به تحقیق مقایسه‌ای درباره مشارکت جوانان در سیاست کمک می‌کند.

محمد سعود و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی شیوه‌های دموکراتیک و جوانان در مشارکت سیاسی پرداختند. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که جوانان در پاکستان به طور فزاینده‌ای در فعالیت‌های دموکراتیک، اجتماعی و سیاسی مشارکت می‌کنند، مسئولیت اصلی آنها جدا کردن و انجام اقدامات کافی برای کشور است. جاشوا مک دونالد (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی اندازه شهرداری، کارایی سیاسی و مشارکت سیاسی پرداخته و نتایج نشان می‌دهد که شهروندان شهرداری‌های کوچکتر احساس کارایی سیاسی بیشتری دارند و در درجه بالاتری در سیاست‌های محلی شرکت می‌کنند.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در زمینه مشارکت سیاسی پژوهش‌های مختلفی انجام شده است، اما هیچ کدام از پژوهش‌های به بررسی بررسی چالش‌های مشارکت سیاسی در ایران بین سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ نپرداخته است و این نشان از نوآوری پژوهش می‌باشد.

این پژوهش به لحاظ ماهیت داده، کیفی از نوع اکتشافی، به لحاظ مبنای فلسفی از نوع پارادایم تفسیری، به لحاظ هدف از نوع توسعه‌ای، به لحاظ رویکرد از نوع استقرائی و به لحاظ روش گردآوری داده از نوع مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته می‌باشد و از طریق تکنیک تحلیل مضمون استفاده شده است. لذا ابتدا پروتکل مصاحبه تدوین شد و بعد از تأیید خبرگان با استفاده از معیارهای مشخص در پروتکل از جمله؛ رعایت اصول اخلاقی، اقدام به شروع مصاحبه گردید. مشارکت‌کنندگان پژوهش را خبرگان و صاحب‌نظران حوزه علوم ارتباطات که شامل اساتید علوم ارتباطات، روزنامه‌نگاران، تحلیل‌گران مسائل سیاسی، نویسندگان (دارای حداقل ۱۰ سال سابقه خدمت و حداقل مدرک کارشناسی ارشد) تشکیل می‌داد و به‌صورت هدفمند قضاوتی انتخاب گردید و پایان نمونه‌گیری از طریق اشباع نظری در نظر گرفته شد. به این‌صورت پس از ۸ نفر مصاحبه، اشباع نظری حاصل شد و تا ۱۲ نفر مصاحبه هم ادامه یافت. بر اساس تکنیک مذکور، انتخاب افراد نمونه تا جایی ادامه می‌یابد که مصاحبه با افراد جدید اطلاعات تازه‌تری را در اختیار محقق قرار ندهد و تقریباً تکراری باشند که در این پژوهش مصاحبه‌های شماره ۸ تا ۱۲ به مطالب مصاحبه‌های قبلی اشاره داشت و اطلاعات جدیدی را در اختیار محقق قرار نمی‌داد و این مسئله باعث شد که محقق از ادامه مصاحبه دست بردارد. همچنین گردآوری داده‌ها از طریق ابزار مصاحبه انجام گرفت و تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها نیز با استفاده از تکنیک مضمون یا تم انجام گرفت. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. تحلیل مضمون، صرفاً روش کیفی خاصی نیست بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود (پراون و کلارک^۱، ۲۰۰۶). برای دستیابی به صحت و اعتبار مطالعه، از روش مثلث‌سازی منابع داده استفاده گردید. مثلث‌سازی به این مسئله اشاره دارد که یک مطلب از منابع مختلف و روش‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس، در این پژوهش از منابع مختلفی همچون اساتید حوزه مدیریت علوم ارتباطات برای تأیید محتوای مصاحبه‌ها، بررسی ادبیات پژوهشی و مستندات مربوط به علوم ارتباطات و به‌کارگیری بیش از یک پژوهشگر برای جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل داده، بهره گرفته شده است. همچنین برای بررسی پایایی پژوهش نیز از ضریب پایایی هولستی استفاده شده است. هولستی یکی از صاحب‌نظران تحلیل مضمون است. در این روش، متون در دو مرحله کدگذاری می‌شوند. هولستی فرمولی را برای تعیین پایایی داده‌های اسمی بر حسب «درصد توافق مشاهده‌شده» ارائه کرده است:

$$PAO = 2M / (N_1 + N_2)$$

در فرمول فوق M تعداد موارد کدگذاری مشترک بین دو کدگذار می‌باشد N1 و N2 به ترتیب تعداد کلیه موارد کدگذاری شده توسط کدگذار اول و دوم است. مقدار PAO بین صفر (عدم توافق) و یک (توافق کامل) است و اگر از ۰/۷ بزرگتر باشد مطلوب می‌باشد.

$$PAO = 2(136) / (154 + 141) = 0.922$$

^۱ Braun & Clarke

همان‌طور که ملاحظه می‌شود ضریب پایایی هولستی برای تحلیل مضامین، بیشتر از ۷۰ صدم و برابر با ۹۲ صدم قرار دارد، بنابراین به لحاظ پایایی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۱. مشارکت‌کنندگان در پژوهش

شماره مصاحبه‌شونده	جنسیت	تحصیلات	سابقه خدمت	نوع شغل
۱	مرد	دکتری	۲۰	عضو هیئت علمی دانشگاه
۲	مرد	کارشناسی ارشد	۱۵	خبرنگار و فعال حوزه احزاب
۳	مرد	دکتری	۲۶	عضو هیئت علمی دانشگاه
۴	مرد	دکتری	۱۵	عضو وزارت کشور
۵	مرد	کارشناسی ارشد	۱۷	عضو شورای مرکزی یکی از احزاب
۶	مرد	دکتری	۱۵	عضو هیئت علمی دانشگاه
۷	زن	دکتری	۱۳	عضو هیئت علمی و مدیرکل سابق سیاسی و زنان استانداری
۸	مرد	کارشناسی ارشد	۱۴	فعال سیاسی
۹	مرد	دکتری	۲۰	فعال سیاسی و عضو احزاب و گروه‌های سیاسی کشور
۱۰	مرد	دکتری	۲۲	مدیرکل سیاسی وزارت کشور
۱۱	مرد	دکتری	۱۳	عضو هیئت علمی
۱۲	مرد	دکتری	۱۵	عضو هیئت علمی

یافته‌ها:

براساس تجزیه و تحلیل صورت گرفته طی شش مرحله تحلیل مضمون به روش براون و کلارک (۲۰۰۶) که شامل؛ آشنایی با داده‌ها، استخراج کدهای اولیه، شناسایی تم‌ها، بررسی تم‌ها، تعریف تم‌ها و ایجاد شبکه تم‌ها است، انجام گرفت. از ۱۲ مصاحبه صورت گرفته ۲۸۵ کد اولیه مستخرج گردید که با حذف کدهای مشترک، ۱۳۶ مضمون پایه کاهش یافت. لذا تحلیل کدها، به شناسایی ۲۹ مضمون فرعی یا سازمان‌دهنده منجر گردید که درنهایت از دسته‌بندی آن‌ها، مضمون فراگیر یا اصلی استخراج گردید.

آشنایی با داده‌ها و استخراج کدهای اولیه:

آشنایی با داده‌ها و استخراج کدهای اولیه، تجزیه مجموعه گردآوری‌شده به کوچک‌ترین جزءهای مفهومی ممکن است. این نوع کدگذاری کمک به خلق مجموعه‌ای از مفاهیم دست‌اول می‌کند که ضمن اینکه ریشه در داده‌های خام دارند، انتزاعی هم هستند. پژوهشگران در این مرحله خط به خط داده‌ها را بازنگری نموده و فرایندهای آن را تشخیص داده و با استفاده از کلمات و عبارات آن‌ها را کدگذاری نمودند. سپس با مقایسه مداوم کدها از نظر تشابه و تفاوت در مفاهیم، مضامین فرایگر و اصلی شکل گرفته و ویژگی‌ها و ابعاد هر یک از آن‌ها تعیین گردید. لذا در این مرحله ۱۳۶ کد باز در زمینه موضوع پژوهش مشخص گردید. در جدول ۱، نمونه‌ای از کدهای احصا شده از متن مصاحبه نشان داده شده است.

جدول ۲. نمونه‌ای از کدهای استخراجی از متن مصاحبه

ردیف	متن مصاحبه	مفاهیم پایه
۱م	یکی از مسائل دخیل در مشارکت سیاسی مردم ایران <u>میزان همبستگی دولت به معنای مسئولین و قوای سه گانه</u> با مردم است. به این معنا که حاکمیت هرچه بتواند حس همبستگی ملی را در جامعه نهادینه کند مشارکت اجتماعی و سیاسی مردم نیز بیشتر خواهد شد. البته در این میان <u>تبلیغات رسانه‌های معارض</u> که با <u>بزرگنمایی ضعف‌ها</u> و <u>کوچک نمایی قوت‌ها</u> فضای منفی علیه کشور ایجاد می‌کنند نیز بر مشارکت سیاسی مردم تاثیرگذار است. یکی دیگر از مولفه‌های موثر <u>میزان کارآمدی در حوزه عملی</u> است. بالاخص در زمینه‌های اقتصادی هرچه وضعیت بهتر و مطلوب‌تر باشد رغبت مردم برای حضور در عرصه‌های سیاسی نیز بیشتر خواهد شد.	میزان همبستگی دولت (مسئولین و قوای سه گانه) با مردم تبلیغات رسانه‌های معارض بزرگنمایی ضعف‌ها کوچک نمایی قوت‌ها میزان کارآمدی در حوزه عملی زمینه‌های اقتصادی
۳م	علل کاهش مشارکت سیاسی در انتخابات و کم رنگ شدن آن ۱- <u>انباشت مطالبات قانونی و به حق مردم از دوره های قبلی انتخابات و لاینحل ماندن کماکان آنها</u> ۲- <u>قصور دولت‌ها در کاهش انباشت مطالبات مردم و استنباط نوعی بی‌اعتنایی به آن خواسته‌ها</u> ۳- <u>مسکوت ماندن و به فراموشی سپردن وعده و وعیدهای دولت‌ها پس از رسیدن به قدرت</u> ۴- <u>تاثیر نوعی دل‌سردی و ناامیدی از بدفرجامی اکثر روسای جمهور سابق</u> ۵- <u>تاثیر منفی ناشی از وجود شیوه ناموزون غیراخلاقی نامطلوب در رقابت</u>	انباشت مطالبات قانونی و به حق مردم از دوره های قبلی انتخابات و لاینحل ماندن کماکان آنها قصور دولت‌ها در کاهش انباشت مطالبات مردم

نابرابر میان نامزد های ریاست جمهوری در اکثر دوره ها منتج به آثار زننده و زیانبار متعاقب ۶- استمرار "فقر،فساد،تبعیض" در جامعه و بی اهمتامی دولت ها نسبت به آن ۷- زیرخط فقر قرارگرفتن اکثریت خانوارها ازجمعیت کشور به نحوی که رغبتی بجز تلاش مشقتی معیشتی،برایشان باقی نمی ماند ۸-تاثیر مشاهده اخباری غیراخباری تبلیغاتی از رفاه مردم در کشورهای دیگر خاصه کشورهای حاشیه خلیج فارس ۹- تاثیر آمار فلاکت (تورم؛ بیکاری) گریبانگیر اکثر خانواده ها ۹- بی تاثیری و نامفیدی عملکرد دولت‌ها در رفع ویا کاهش انواع واقسام مشکلات مبتلا به مردم و جامعه یعنی اینکه دولت‌ها در ادوار خود تاثیری در کاهش ویا رفع استیلای مشکلات بر مردم و جامعه نداشته اند ۱۰- پاسخگو نبودن دولت‌ها نسبت به مردم چه در زمان زمامداری و چه بعد از آن ۱۱- چرخش وگردش دولت میان غیرنخبه ها والیت ها به دلیل انتخابات غیر حزبی و مرسوم به شیوه فعلی	مسکوت ماندن و به فراموشی سپردن وعده وعیدهای دولت‌ها پس از رسیدن به قدرت دلسردی نوبدی از بدفرجامی اکثر روسای جمهور سابق رقابت نابرابر میان نامزد های ریاست جمهوری استمرار "فقر،فساد،تبعیض" تبلیغاتی آمار فلاکت (تورم؛ بیکاری) بی تاثیری و نامفیدی عملکرد دولت‌ها پاسخگو نبودن دولت‌ها نسبت به مردم چرخش وگردش دولت میان غیرنخبه ها	
نوع حکمرانی در مسائل فرهنگی، اجتماعی تحریم های اقتصادی مسائل مربوط به حجاب مسائل مربوط به فیلترینگ	میزان کاهش سرمایه اجتماعی نظام محصول نوع حکمرانی در مسائل فرهنگی، اجتماعی و تحریم های اقتصادی است.در حقیقت وقتی طبقات مختلف جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد طیف متوسط به بالا از رویکردهای اجتماعی مانند حجاب و فیلترینگ گلایه دارند و طبقه متوسط به پایین به بی ثباتی های اقتصادی و افزایش ناچیز حقوق کارگران در شورای حقوق و دستمزد معترضند.	۵م

۷م	مشارکت شهروندان با باور به انتقال‌پذیری قدرت می‌تواند معیاری مهم در درجه‌ی مشروعیت دولت‌ها تلقی شود. فارغ از شیوه‌های متعدد مشارکت همگانی چالش‌های اصلی مشارکت نخست به پذیرش آن همچون یکی از حق‌های بنیادین بشری از سوی دولت و سپس چگونگی پیاده‌سازی و تعمیم آن در چارچوب‌های حقوقی-سیاسی مقبول عموم باز می‌گردد. هم‌فرآیند انتخابات و هم نوع نگاه حاکمیت به انتخاب مردم به عنوان یک‌دقق عمومی اصلی ترین چالش‌های انتخابات تلقی می‌شود.	باور به انتقال‌پذیری قدرت درجه مشروعیت دولت‌ها پذیرش نتایج انتخابات فرآیند انتخابات نوع نگاه حاکمیت به انتخاب مردم
----	--	---

شناسایی مضامین سازمان‌دهنده یا فرعی:

در جدول ۳، مضامین سازمان‌دهنده یا فرعی در زمینه چالش‌های مشارکت سیاسی در ایران شناسایی شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود مضامین سازمان‌دهنده دارای ۲۹ مورد یا عامل می‌باشد.

جدول ۳. شناسایی مضامین فرعی

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
فساد	فقر فساد شکاف طبقاتی از دست دادن ظرفیت اجتماعی دولت اختلاس حدوث اختلاس‌ها و استمرار آن
ساختار سیاسی جامعه	میزان دموکراسی دموکراسی مقبول مردم رقابت دموکراتیک آزادی‌های مدنی انتخابات آزاد تفکرات حاکم بر جامعه ظرفیت و توانمندی جامعه میزان سرمایه اجتماعی دولت‌ها پس از پایان کار باز بودن حق انتخاب

تایید صلاحیت گرایش‌های گوناگون اعتماد سیاسی به حاکمان احساس آزادی سیاسی	
مشکلات اقتصادی بحران‌های اقتصادی و معیشتی عدم توجه به ساخت درونی اقتصاد افزایش تورم گرانی آمار فلاکت (تورم؛ بیکاری) تحریم اقتصادی کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری مولد پایین بودن درآمد سرانه مردم مشکلات معیشتی افزایش نرخ ارز افزایش نرخ مسکن افزایش قیمت اقلام سبد معیشتی توجه به نیازهای اولیه کوچک شدن سفره مردم	
قوانین منسجم و کارآمد قانون اساسی جامع و تمام‌شمول اطمینان داشتن مردم به قواعد و موازین چرخش و انتقال قدرت در قالب انتخابات حزبی اهمیت نظارت اجتماعی	قدرت قانون
باورهای مردم نسبت به سیاست ارزش‌های مردم نسبت به سیاست و مشارکت نگرش‌های فرهنگی مردم نسبت به سیاست و مشارکت قدرت و کارآمدی رأی مردم بالا بودن قدرت انتخابات انسجام اجتماعی اعتماد عمومی حفظ وحدت و همبستگی	فرهنگ سیاسی
ترس و بی‌اعتمادی به نظام سیاسی به دلیل سرکوب اعتراضات برخورد بد نهادهای امنیتی و انتظامی با معترضان	اعتراضات

ضعف نهادهای سیاسی	کارکرد پایین دولت از بین رفتن نهادهای سیاسی در جامعه عدم پیوستگی نهاد سیاست و عرصه اقتصادی
سرکوب سیاسی	محدودیت‌های اعمال شده بر آزادی‌های سیاسی و اجتماعی سرکوب معترضان و فعالان سیاسی چرخش و گردش دولت میان غیرنخبه‌ها مسائل مربوط به حجاب مسائل مربوط به فیلترینگ افزایش میل به مهاجرت ندادن فضا برای حضور افراد با تفکرات جدید
فرار از سیاست	ناامیدی از تغییرات سیاسی سرخوردگی از تغییرات سیاسی
مشکلات مربوط به احزاب	عدم شکل‌گیری احزاب از دل مردم نقش نداشتن احزاب در انتخابات عدم تحزب‌گرایی ضعف احزاب سیاسی
تاریخچه سیاسی کشور	تجربه انقلاب اسلامی تجربه جنگ تحمیلی تجربه تحولات اجتماعی
آگاهی سیاسی	سطح آگاهی و آموزش سیاسی مردم دسترسی به اطلاعات و رسانه‌ها فهم عمومی جامعه نسبت به مشکلات سیاسی اهمیت قابل بودن برای نتایج انتخابات تعهد به کشور عدم رشد دانش سیاسی عدم آگاهی سیاسی مردم
عدم تحقق وعده‌های اقتصادی	عدم تحقق وعده‌های اقتصادی سرخوردگی از مطالبات اقتصادی بی‌ثباتی و تورم

سیاست‌های اقتصادی	ناکارآمدی در سیاست‌های اقتصادی عدم بهبود شرایط معیشتی مردم افزایش تورم افزایش بیکاری
عدم اعتماد به نهادهای سیاسی	عدم اعتماد به نهادهای سیاسی عدم همبستگی ملت و حاکمیت قطع اتکا و اعتماد جامعه به روندهای اجتماعی شعارهای پوچ و یکنواخت عدم توانایی سیاست در حل مسأله کشور احساس بی‌اعتمادی احساس یأس و ناامیدی کاهش اعتماد عمومی و سست شدن ارتباط مردم نسبت به دولت‌ها صداقت در گفتار و کردار
تجربه‌های منفی از انتخابات	غیرقابل قبول بودن نتایج انتخابات برای افراد دلسردی نویدی از اکثر روسای جمهور سابق
عملکرد کاندیدها	اهمیت قابل بودن برای نتایج انتخابات شعارهای کاندیداها نحوه عملکرد ستادهای انتخاباتی
رسانه	رسانه‌های اپوزیسیون فضای مجازی
کنترل رسانه‌ها	برخورد ناصحیح با رسانه‌ها ایجاد محدودیت برای رسانه‌ها
تبلیغات	تبلیغات و رسانه تبلیغات رسانه‌های معارض تبعض تبلیغاتی تبلیغات خصمانه گروه‌های داخلی و منابع خارجی سطح استفاده از رسانه‌ها
حکمرانی غلط	نوع حکمرانی در مسائل فرهنگی، اجتماعی روند کاهش امید به تغییر در سیاست‌ها محدودیت‌های انتخاباتی کاهش انگیزه در جامعه برای تعیین حق سرنوشت استنباط وجود نوعی مدیریت و مهندسی انتخابات

انباشت مطالبات مردم	عدم درگیری و بازی ندادن به نخبگان در صحنه‌های انتخابات نوع نگاه حاکمیت به انتخاب مردم
فرسایش هویت سیاسی	انباشت مطالبات قانونی و به حق مردم از دوره‌های قبلی انتخابات و لاینحل ماندن کماکان آنها قصور دولت‌ها در کاهش انباشت مطالبات مردم مسکوت ماندن و به فراموشی سپردن وعده وعیدهای دولت‌ها پس از رسیدن به قدرت پاسخگو نبودن دولت‌ها نسبت به مردم عدم رسیدن به خواسته‌های اقتصادی، اجتماعی و فکری عدم پایداری دولتمردان به شعارهای انتخاباتی خود بی‌توجهی به مطالبات مردم عدم پاسخگویی مسئولین
عدم پاسخگویی	کاهش احساس تعلق به نظام سیاسی کاهش هویت ملی
سرکوب آزادی‌های مدنی	پاسخگو نبودن نهادهای حکومتی به نیازها و خواسته‌های مردم بی‌توجهی به خواسته‌های مردم
عدم شفافیت	سرکوب اعتراضات و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی نبود شفافیت در فرآیندهای انتخاباتی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی عدم شفافیت در انتخابات
محدودیت‌های قانونی	رد صلاحیت‌ها کاهش تنوع در انتخاب‌ها محدودیت‌های رسانه‌ای
نگرش مردم	پاسخ به مطالبات مردم مطالبات طبقاتی، سیاسی، فرهنگی، قومیتی و هنجاری جامعه نوع نگرش مردم به جامعه میزان رضایت از زندگی
ویژگی جمعیت‌شناسی	سن جنسیت وضعیت تأهل سطح تحصیلات درجه مذهبی بودن

شناسایی مضامین سازمان‌دهنده فراگیر یا اصلی:

در جدول ۴، مضامین سازمان‌دهنده فراگیر یا اصلی در زمینه چالش‌های مشارکت سیاسی در ایران شناسایی شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود مضامین سازمان‌دهنده اصلی شامل مضامین چالش سیاسی، چالش اقتصادی، چالش رسانه، چالش حاکمیتی، چالش قانونی و چالش محیطی می‌باشد.

جدول ۴. شناسایی مضامین فراگیر

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
چالش سیاسی	تاریخچه سیاسی کشور	تجربه انقلاب اسلامی تجربه جنگ تحمیلی تجربه تحولات اجتماعی
	ساختار سیاسی جامعه	میزان دموکراسی دموکراسی مقبول مردم رقابت دموکراتیک آزادی‌های مدنی انتخابات آزاد تفکرات حاکم بر جامعه ظرفیت و توانمندی جامعه میزان سرمایه اجتماعی دولت‌ها پس از پایان کار باز بودن حق انتخاب تایید صلاحیت گرایش‌های گوناگون اعتماد سیاسی به حاکمان احساس آزادی سیاسی
	آگاهی سیاسی	سطح آگاهی و آموزش سیاسی مردم دسترسی به اطلاعات و رسانه‌ها فهم عمومی جامعه نسبت به مشکلات سیاسی اهمیت قابل بودن برای نتایج انتخابات تعهد به کشور عدم رشد دانش سیاسی عدم آگاهی سیاسی مردم
	فرهنگ سیاسی	باورهای مردم نسبت به سیاست

ارزش‌های مردم نسبت به سیاست و مشارکت نگرش‌های فرهنگی مردم نسبت به سیاست و مشارکت قدرت و کارآمدی رأی مردم بالا بودن قدرت انتخابات انسجام اجتماعی اعتماد عمومی حفظ وحدت و همبستگی		
عدم اعتماد به نهادهای سیاسی کاهش اعتماد به نظام عدم همبستگی ملت و حاکمیت قطع اتکا و اعتماد جامعه به روندهای اجتماعی شعارهای پوچ و یکنواخت عدم توانایی سیاست در حل مسأله کشور احساس بی‌اعتمادی احساس یأس و ناامیدی کاهش اعتماد عمومی و سست شدن ارتباط مردم نسبت به دولت‌ها صداقت در گفتار و کردار افزایش نارضایتی اجتماعی	عدم اعتماد به نهادهای سیاسی	
کارکرد پایین دولت از بین رفتن نهادهای سیاسی در جامعه عدم پیوستگی نهاد سیاست و عرصه اقتصادی	ضعف نهادهای سیاسی	
محدودیت‌های اعمال شده بر آزادی‌های سیاسی و اجتماعی سرکوب معترضان و فعالان سیاسی چرخش و گردش دولت میان غیرنخبه‌ها مسائل مربوط به حجاب مسائل مربوط به فیلترینگ افزایش میل به مهاجرت ندادن فضا برای حضور افراد با تفکرات جدید	سرکوب سیاسی	
کاهش احساس تعلق به نظام سیاسی کاهش هویت ملی	فرسایش هویت سیاسی	
ناامیدی از تغییرات سیاسی سرخورده‌گی از تغییرات سیاسی	فرار از سیاست	

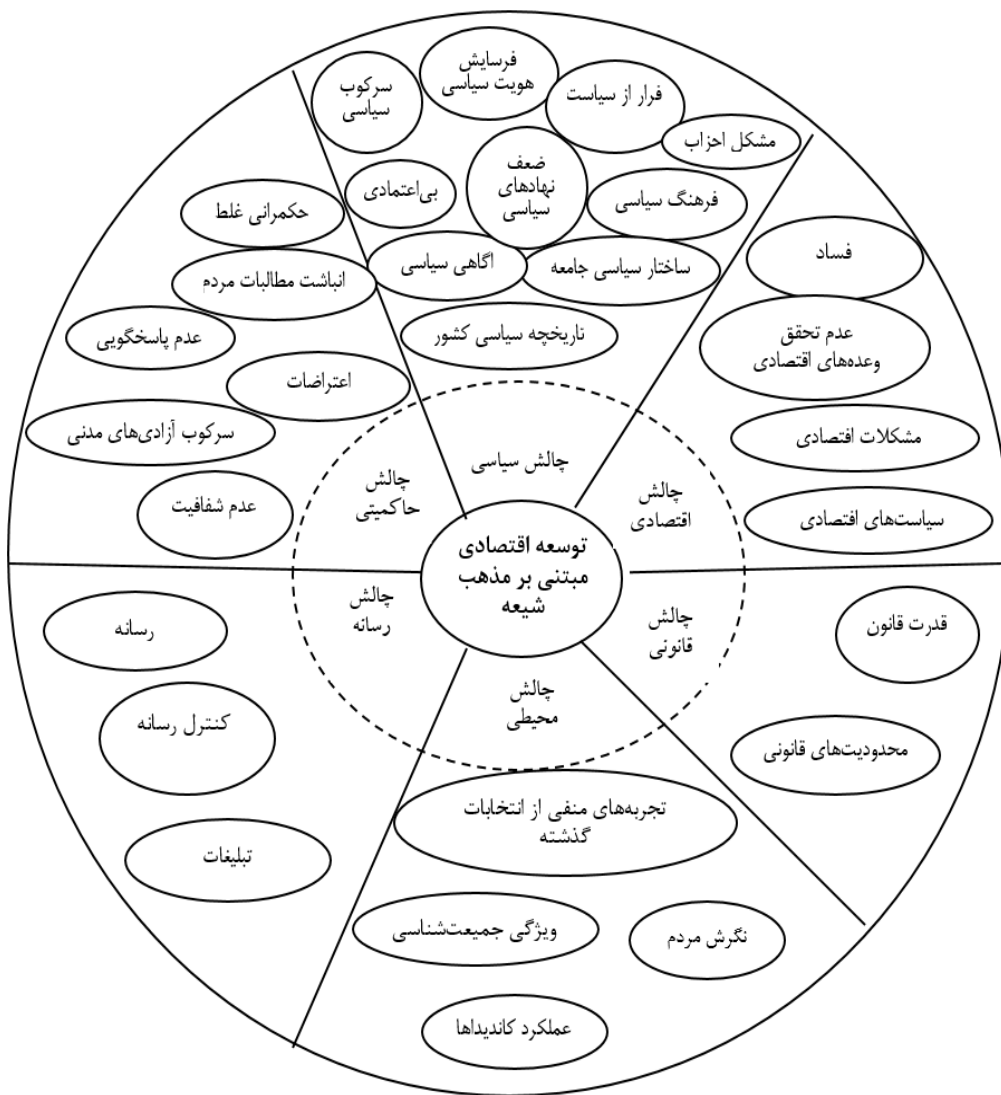
	مشکلات مربوط به احزاب	عدم شکل‌گیری احزاب از دل مردم نقش نداشتن احزاب در انتخابات عدم تحزب‌گرایی ضعف احزاب سیاسی
چالش اقتصادی	فساد	فقر و نابرابری فساد شکاف طبقاتی از دست دادن ظرفیت اجتماعی دولت اختلاس حدوث اختلاس‌ها و استمرار آن
	عدم تحقق وعده‌های اقتصادی	عدم تحقق وعده‌های اقتصادی سرخوردگی از مطالبات اقتصادی بی‌ثباتی و تورم
	سیاست‌های اقتصادی	ناکارآمدی در سیاست‌های اقتصادی عدم بهبود شرایط معیشتی مردم افزایش تورم افزایش بیکاری
	مشکلات اقتصادی	بحران‌های اقتصادی و معیشتی عدم توجه به ساخت درونی اقتصاد افزایش تورم گرانی آمار فلاکت (تورم؛ بیکاری) تحریم اقتصادی کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری مولد پایین بودن درآمد سرانه مردم مشکلات معیشتی افزایش تورم افزایش نرخ ارز افزایش نرخ مسکن افزایش قیمت اقلام سبد معیشتی توجه به نیازهای اولیه

		کوچک شدن سفره مردم
چالش رسانه	رسانه	رسانه‌های اپوزیسیون فضای مجازی
	کنترل رسانه‌ها	برخورد ناصحیح با رسانه‌ها ایجاد محدودیت برای رسانه‌ها
	تبلیغات	تبلیغات و رسانه تبلیغات رسانه‌های معارض تبعض تبلیغاتی تبلیغات خصمانه گروه‌های داخلی و منابع خارجی سطح استفاده از رسانه‌ها
چالش حاکمیتی	حکمرانی غلط	نوع حکمرانی در مسائل فرهنگی، اجتماعی روند کاهش امید به تغییر در سیاست‌ها محدودبتهای انتخاباتی کاهش انگیزه در جامعه برای تعیین حق سرنوشت استنباط وجود نوعی مدیریت و مهندسی انتخابات عدم درگیری و بازی ندادن به نخبگان در صحنه‌های انتخابات نوع نگاه حاکمیت به انتخاب مردم
	انباشت مطالبات مردم	انباشت مطالبات قانونی و به حق مردم از دوره‌های قبلی انتخابات و لاینجل ماندن کماکان آنها قصور دولت‌ها در کاهش انباشت مطالبات مردم مسکوت ماندن و به فراموشی سپردن وعده وعیدهای دولت‌ها پس از رسیدن به قدرت پاسخگو نبودن دولت‌ها نسبت به مردم عدم رسیدن به خواسته‌های اقتصادی، اجتماعی و فکری عدم پایبندی دولتمردان به شعارهای انتخاباتی خود

		بی‌توجهی به مطالبات مردم عدم پاسخگویی مسئولین
	اعتراضات	ترس و بی‌اعتمادی به نظام سیاسی به دلیل سرکوب اعتراضات برخورد بد نهادهای امنیتی و انتظامی با معترضان
	عدم پاسخگویی	پاسخگو نبودن نهادهای حکومتی به نیازها و خواسته‌های مردم بی‌توجهی به خواسته‌های مردم
	سرکوب آزادی‌های مدنی	سرکوب اعتراضات و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی
	عدم شفافیت	نبود شفافیت در فرآیندهای انتخاباتی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی عدم شفافیت در انتخابات
چالش قانونی	قدرت قانون	قوانین منسجم و کارآمد قانون اساسی جامع و تمام‌شامل اطمینان داشتن مردم به قواعد و موازین چرخش و انتقال قدرت در قالب انتخابات حزبی اهمیت نظارت اجتماعی
	محدودیت‌های قانونی	رد صلاحیت‌ها کاهش تنوع در انتخاب‌ها محدودیت‌های رسانه‌ای
چالش محیطی	تجربه‌های منفی از انتخابات گذشته	غیرقابل قبول بودن نتایج انتخابات برای افراد دلسردی، نومیدی از بدفراجمی اکثر روسای جمهور سابق
	نگرش مردم	پاسخ به مطالبات مردم مطالبات طبقاتی، سیاسی، فرهنگی، قومیتی و هنجاری جامعه نوع نگرش مردم به جامعه میزان رضایت از زندگی
	ویژگی جمعیت‌شناسی	سن جنسیت وضعیت تأهل سطح تحصیلات درجه مذهبی بودن
	عملکرد کاندیدادها	اهمیت قایل بودن برای نتایج انتخابات شعارهای کاندیداها نحوه عملکرد ستادهای انتخاباتی

تعریف و ایجاد شبکه مضامین:

شکل ۱: شبکه مضامین



همان‌طور که در شبکه‌سازی مضامین ملاحظه می‌شود، مضامین فراگیر شامل چالش سیاسی (فرسایش هویت سیاسی، سرکوب سیاسی، فرار از سیاست، مشکل احزاب، ضعف نهادهای سیاسی، بی‌اعتمادی، ساختار سیاسی جامعه، آگاهی سیاسی، تاریخچه سیاسی کشور)، چالش اقتصادی (فساد، عدم تحقق وعده‌های اقتصادی،

مشکلات اقتصادی، سیاست‌های اقتصادی)، چالش قانونی (قدرت قانون، محدودیت‌های قانونی)، چالش محیطی (تجربه‌های منفی از انتخابات گذشته، نگرش مردم، ویژگی جمعیت‌شناسی، عملکرد کاندیدادها)، چالش رسانه (رسانه، کنترل رسانه، تبلیغات) و چالش حاکمیتی (عدم شفافیت، سرکوب آزادی‌های مدنی، اعتراضات، عدم پاسخگویی، انباشت مطالبات مردم، حکمرانی غلط) می‌باشد.

نتیجه‌گیری

یکی از چالش‌هایی که در زمینه مشارکت سیاسی در ایران مورد شناسایی قرار گرفت، چالش سیاسی بود. در راستای تبیین نتایج این بخش از پژوهش می‌توان بیان کرد، تاریخچه سیاسی کشور از جمله تجربه انقلاب اسلامی، تجربه جنگ تحمیلی و تجربه تحولات اجتماعی باعث شده است که مردم در انتخابات شرکت کنند، از سویی در سال‌های اخیر عدم احساس آزادی و عدم رعایت دموکراسی در انتخاب کاندیدادها و احساس نارضایتی از نتایج انتخابات باعث کم‌رنگ شدن مشارکت سیاسی در ایران گردیده است. از سویی آگاهی سیاسی مردم در طی سال‌های اخیر به دلیل ارتباطات زیاد و دسترسی به رسانه‌ها و فضای مجازی و همچنین ضعف نهادهای سیاسی، فرسایش هویت سیاسی و مشکلات مربوط به احزاب باعث کم‌رنگ شدن مشارکت در انتخابات شده است. همچنین یکی از مسائل دخیل در مشارکت سیاسی مردم ایران میزان همبستگی دولت به معنای مسئولین و قوای سه گانه با مردم است. به این معنا که حاکمیت هرچه بتواند حس همبستگی ملی را در جامعه نهادینه کند مشارکت اجتماعی و سیاسی مردم نیز بیشتر خواهد شد. البته در این میان تبلیغات رسانه‌های معارض که با بزرگنمایی ضعف‌ها و کوچک نمایی قوت‌ها فضای منفی علیه کشور ایجاد می‌کند نیز بر مشارکت سیاسی مردم تاثیرگذار است. از سویی اعتماد نقش بالایی در مشارکت سیاسی مردم دارد. مطالعات متعددی به بررسی ارتباط بین مشارکت سیاسی و اعتماد به دولت می‌پردازد که در درجه اول از رابطه مثبت بین این دو ناشی می‌شود. به عنوان مثال، گلدفینچ و همکاران^۱ (۲۰۰۹) استدلال می‌کنند که سطوح بالاتر اعتماد در بخش‌های مختلف دولتی می‌تواند سطح مشارکت در سیاست را افزایش دهد (کارتیر و بلانگر^۲، ۲۰۰۵؛ تولبرت و موسبرگر^۳، ۲۰۰۶؛ ولش، هینانت، و مون^۴، ۲۰۰۵). مطالعات دیگر همچنین نشان دادند که اعتماد تأثیر مشابهی بر شیوه‌های مختلف مشارکت سیاسی دارد (گیبسون^۵، ۲۰۰۱؛ میشلر و رز^۱، ۲۰۰۵؛ نیلسون و پکستون^۲، ۲۰۱۰؛ کیم،

^۱ Goldfinch & et al

^۲ Carter and Belanger

^۳ Tolbert & Mossberger

^۴ Welch, Hinnant, and Moon

^۵ Gibson

۲۰۱۴). علاوه بر این، تحلیل سو^۳ (۲۰۱۳) از یک مطالعه فراملی، یک رابطه معیوب بین مشارکت سیاسی و اعتماد عمومی به دولت را نشان می‌دهد. اکثر این مطالعات نشان می‌دهد که سطح بالاتر اعتماد به نهادهای مختلف دولتی، یک محیط مثبت کلی در کل نظام سیاسی ایجاد می‌کند.

چالش دیگری در زمینه مشارکت سیاسی در ایران مورد شناسایی قرار گرفت، چالش اقتصادی است. عدم توجه به ساخت درونی اقتصاد و افزایش تورم و گرانی و شکاف طبقاتی یکی از مهمترین عوامل کاهش مشارکت سیاسی در سال‌های اخیر بوده است. برخی دولت‌های گذشته توجه کمی به وضعیت اقتصادی مردم و معیشت آنها داشتند و همین امر تورم لجام گسیخته را در حوزه‌های معیشتی مردم ایجاد کرد. در کنار این امر تبلیغات بی‌امان رسانه‌های یگانه در بزرگنمایی ضعف‌ها و کوچک نمایی قوت‌های نظام جمهوری اسلامی باعث شد تا حس همبستگی ملت و حاکمیت دستخوش شکاف شود. به نوعی می‌توان گفت که این رسانه‌ها با ضرب و دمی بیش از اندازه به مشکلات جاری کشور نوعی سرخوردگی ملی را به بدنه بخشی از جامعه تزریق کردند که خسارتی سخت به حوزه مشارکت سیاسی مردم مخصوصاً در عرصه انتخابات وارد کرد. واگنر و همکاران (۲۰۰۹) بیان کردند که فساد باعث کاهش اعتماد در جامعه نسبت به احزاب سیاسی می‌شود و شهروندان را به جدایی از سیاست تشویق می‌کند (استاکمر، ۲۰۱۳). از سوی دیگر، بر اساس یک مطالعه تجربی توسط کوستادینوا و کمتی^۴ (۲۰۱۹)، تجربیات واقعی با هر شکلی از رشوه، فساد و ادراک فساد گسترده در سیستم، اساساً مردم را تشویق می‌کند تا در فعالیتهای مختلف سیاسی جهت تغییر دادن شرکت کنند.

از جمله چالش‌هایی که در زمینه مشارکت سیاسی در ایران مورد شناسایی قرار گرفت، چالش حاکمیتی است. زمانی که حکمرانی خوب باشد، به مطالبات مردم پاسخ داده شود، به وعده‌های انتخاباتی عمل شود، آزادی‌های مدنی سرکوب نشود و در فرایند و نتایج انتخابات شفافیت وجود داشته باشد، می‌توان انتظار مشارکت سیاسی در جامعه را داشت. مطالعه معینول و همکاران^۵ (۲۰۱۷) در بافت آسیای جنوبی نشان می‌دهد که حکمرانی خوب با فعالیت سیاسی همبستگی مثبتی دارد. در حالی که سطح کیفیت، اثربخشی، کارایی و مسئولیت‌پذیری بخش عمومی اغلب برای تعیین حکمرانی خوب استفاده می‌شود (خان^۶، ۲۰۱۵).

^۱ Mishler & Rose

^۲ Neilson & Paxton

^۳ Suh's

^۴ Kostadinova & Kmetty

^۵ Moinul & et al

^۶ Khan

چالش مربوط به قانون از دیگر چالش‌های شناسایی شده در زمینه مشارکت سیاسی در کشور است. هر چقدر قانون در زمینه مشارکت سیاسی قدرتمند، منسجم و مورد تأیید مردم باشد، می‌تواند زمینه مشارکت سیاسی در جامعه را به همراه داشته باشد. در این زمینه می‌توان بیان کرد، چارچوب قانون اساسی به شدت بر مشارکت سیاسی، کل نظام انتخاباتی و سیاسی، میزان کثرت گرایی، شرکت گرایی در همکاری گروه‌های ذینفع و محیط عمومی برای حقوق سیاسی و مدنی تأثیر می‌گذارد. همچنین، آنها سیستم قضایی و ساختار سازمانی شهروندان را مورد بحث قرار می‌دهند (فلیکنگر و استودلار^۱؛ ۱۹۹۲؛ فرانکلین^۲؛ ۱۹۹۶؛ نوریس، ۲۰۰۲).

چالش محیطی از دیگر چالش‌های مورد شناسایی قرار گرفته در زمینه مشارکت سیاسی است. هر چقدر تجربه‌های منفی از انتخابات گذشته در بین مردم بیشتر احساس شود و نگرش مردم نسبت به انتخاب، صلاحیت نمایندگان و نتایج انتخابات مثبت یا منفی باشد، می‌تواند در مشارکت سیاسی مردم نقش مؤثری داشته باشد. همچنین سن، جنسیت، تحصیلات و حتی عملکرد کاندیداها در میزان مشارکت سیاسی مردم نقش مؤثری دارد. هر چقدر کاندیداها قوی، کارا و متخصص باشند، می‌تواند منجر به افزایش مشارکت سیاسی در کشور شود. تحقیقات اولیه در مورد مشارکت سیاسی نشان داد که زنان به طور کلی کمتر از مردان مشارکت می‌کنند. به عنوان مثال، ولفینگر و استیون (۱۹۸۰) دریافتند که زنان در ایالات متحده در سال ۱۹۷۲ زمانی که سایر متغیرهای اصلی مانند تحصیلات، سن و پول کنترل می‌شدند، ۲ درصد کمتر از مردان احتمال رأی دادن داشتند. در مقابل، در شرایط مشابه، رای دهندگان زن به مرور زمان بیشتر از مردها رای دادند. به گفته لیلی و ناگلر^۳ (۱۹۹۲)، زنان در انتخابات ۱۹۸۴ آمریکا بیشتر از مردان رای دادند. در مطالعه بعدی، آنها داده‌های انتخابات را از سال ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۸ بررسی کردند و دریافتند که اگر سایر متغیرها کنترل شوند، نسبت زنان رای دهنده ۴ درصد بیشتر از درصد مردان از سال ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۸ افزایش یافته است (لیگلی و ناگلر، ۲۰۱۳: ۷۴). افراد مسن به دلیل محدودیت‌های فیزیکی ناشی از آن، تمایل کمتری به مشارکت در سیاست نسبت به افراد جوان دارند. در حالی که افراد میانسال صرف نظر از جنسیت، بیشترین مشارکت را دارند. اگرچه سن برخی از تأثیرات ظاهری بر رفتار رای دادن دارد، اما عمده‌تأ تحت تأثیر سایر ویژگی‌های جمعیت شناختی مانند جنس، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و درآمد است (وولفینگر و استیون، ۱۹۸۰: ۴۱). در مقابل این دیدگاه، لیگلی و ناگلر (۲۰۱۳) نشان می‌دهند که چگونه رای‌دهی گروه‌های سنی مختلف از سال ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۸ در ایالات متحده تغییر کرده است. جالب اینجاست که با گذشت زمان گروه‌های سنی (۴۶-۶۰ تا ۶۱-۷۵؛ ۴۶-۶۰ تا ۷۶-۸۴ سال) افزایش تدریجی درصد رای را نشان می‌دهند در حالی که هر سه گروه سنی جوان (۱۸-۲۴ تا ۲۴-۳۰؛ ۳۰-۴۶ تا ۴۶-۶۰؛ ۳۱-۴۵ تا ۴۶-۶۰ سال) رو به کاهش است. در عین حال، گروه سنی جوانی که گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال

^۱ Flickinger & Studlar

^۲ Franklin

^۳ Leighley and Nagler's

بودند، از سال ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۸ تقریباً ۲۰ درصد کاهش رای نسبت به گروه سنی ۴۶ تا ۶۰ سال داشتند. همچنین افراد دارای تحصیلات ابتدایی بالاترین میزان مشارکت در انتخابات را در کشورهای آفریقایی دارند، نه در کشورهای دارای تحصیلات عالی (براتون و همکاران، ۲۰۰۶).

همچنین چالش رسانه‌ای از دیگر چالش‌های مشارکت سیاسی در کشور به حساب می‌آید و هر چه قدر بی‌عدالتی در این زمینه بیشتر شود، به دلیل نقش پر رنگی که رسانه در عصر کنونی دارد، می‌تواند به عنوان شمشیر دو لبه عمل نماید. از این رو، لازم است در این زمینه به رسانه‌های داخلی توجه بیشتری شود و رسانه را به عنوان یک ابزاری صحیح در نظر گرفت.

هدف از انجام این پژوهش، بررسی چالش‌های مشارکت سیاسی در ایران بین سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ می‌باشد. روش تحقیق به لحاظ ماهیت داده، کیفی از نوع اکتشافی و به لحاظ هدف از نوع توسعه‌ای است. جامعه آماری پژوهش را خبرگان و اساتید حوزه علوم ارتباطات سیاسی تشکیل می‌داد که از طریق نمونه‌گیری هدفمند قضاوتی به تعداد ۱۲ نفر انتخاب گردید و تعداد انتخاب نمونه به صورت اشباع نظری بود. ابزار اندازه‌گیری پژوهش را مصاحبه نیمه‌ساختاریافته تشکیل می‌داد که قبل از اجرا از طریق نظر خبرگان مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از طریق تحلیل مضمون انجام شد. اعتبار و اطمینان داده‌ها با استفاده از روش‌های مختلف از جمله بازبینی توسط افراد مختلف مورد تأیید قرار گرفت. نتایج منجر به شناسایی شش مضمون فراگیر (چالش سیاسی، چالش اقتصادی، چالش قانونی، چالش محیطی، چالش رسانه و چالش حاکمیتی)، ۲۹ مضمون سازمان‌دهنده و ۱۳۶ مضمون پایه گردید.

منابع و ماخذ:

منابع فارسی:

- ابراهیمی کیایی، هادی؛ ابراهیمی، قربانعلی و بابازاده بائی، علی (۱۳۹۷). مشارکت سیاسی و عوامل اجتماعی موثر بر آن (مطالعه تطبیقی دانشجویان و شهروندان). رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۲(۴۵)، ۳-۲۰.
- احمدی سفیدان، حسین و نصیرزاده، زهرا (۱۳۹۹). بررسی وضعیت مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم و دهم. سیاست متعالیه، ۸(۲۹)، ۲۳۱-۲۵۲.
- خواجه‌سروی، غلامرضا (۱۳۸۲). رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شب افروز اکبری، نیما؛ مرشدی زاد، علی؛ نوذری، حسینعلی و احمدی، حمید (۱۴۰۲). بررسی و تحلیل بحران‌های درهم تنیده در دولت حسن روحانی و پیامدهای آن در مشارکت سیاسی (۱۴۰۰-۱۳۹۲). پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۲(۴۵)، ۹۷-۱۳۲.
- عباسی‌شوازی، محمدتقی؛ پناهی‌نسب، صادق و اسمعیل‌خانی، دونا. (۱۴۰۱). مطالعه رابطه جامعه‌پذیری سیاسی، آگاهی سیاسی و اثربخشی سیاسی بر مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۲۷(۵)، ۵۰۸۱-۵۱۰۲.
- عبداله، عبدالمطلب (۱۳۹۶). تأثیر مؤلفه‌های مذهبی بر رفتار رأی‌دهی و مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی. علوم سیاسی، ۲۰(شماره ۷۷ - بهار ۹۶)، ۳۱-۵۴.
- محمدی پشتهانی، روانبخش؛ پرتوی، اصغر و طاهری، ابوالقاسم (۱۴۰۱). شبکه‌های اجتماعی و آینده مشارکت سیاسی. آینده پژوهی ایران، ۱۷(۱)، ۱۳۵-۱۵۷.
- ملفت، حسین؛ شجاعی، حسن و کمالوند، حسین (۱۴۰۰). فراتحلیل مطالعات دینداری و مشارکت سیاسی. فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی، ۱۳(۲۵)، ۲۴۷-۲۷۴.
- نوریان، احسان؛ گلپایگانی، حسن، و بهشتی‌نیا، ادریس (۱۴۰۲). تبیین ژئوپلیتیک مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران؛ از مفهوم تا کارکردها. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۱۳(۵۰).

منابع لاتین :

- Brodie, E., Cowling, E., Nissen, N., Paine, A. E., Jochum, V., & Warburton, D. (2009). Understanding participation: A literature review. London: Involve.
- Carter, L., & Bélanger, F. (2005). The utilization of e-government services: citizen trust, innovation and acceptance factors. *Information systems journal*, 15(1), 5-25.

Eder, C., & Stadelmann Steffen, I. (2017). Measuring political participation. European Consortium for Political Research, September 6-9, 2017. Retrieved from:

<https://ecpr.eu/Events/SectionDetails.aspx?SectionID=634&EventID=96> Search in Google Scholar.

Flickinger, R. S., & Studlar, D. T. (1992). The disappearing voters? Exploring declining turnout in Western European elections. *West European Politics*, 15(2), 1-16.

Franklin, M. N. (1996). Electoral participation. *Comparing democracies: Elections and voting in global perspective*, 216-235.

Goldfinch, S. G. (2009). The participation divide? political participation, trust in government, and e-government in Australia and New Zealand. . *Australian Journal of Public Administration*, 68(3), 333-350.

Henn, M., Oldfield, B., & Hart, J. (2018). Postmaterialism and young people's political participation in a time of austerity. *British Journal of Sociology*, 69(3), 712-737.

Ivaldi, E., Bonatti, G., & Soliani, R. (2017). An indicator for the measurement of political participation: The case of Italy. *Social Indicators Research*, 132(2), 605-620.

Johnson, C. (2015). Local civic participation and democratic legitimacy: Evidence from England and Wales. *Political Studies*, 63(4), 765-792.

Joshua McDonnell (2020) Municipality size, political efficacy and political participation: a systematic review, *Local Government Studies*, 46:3, 331-350, DOI: 10.1080/03003930.2019.1600510

Khan, A. A. (2015). The relevance of the concept of good governance: revisiting goals, agendas and strategies. In *Governance in South, Southeast, and East Asia: Trends, Issues and Challenges* (pp. 101-115). Springer.

Kilybayeva, S., Nassimova, G., & Massalimova, A. (2017). The Kazakhstani youth's engagement in politics. *Studies of Transition States and Societies*, 9(1), 53-71.

Kim, H. H. (2014). Generalised trust, institutional trust and political participation: A crossnational study of fourteen Southeast and Central Asian countries. *Asian Journal of Social Science*, 42(6), 695-721.

Kostadinova, T., & Kmetty, Z. (2019). Corruption and political participation in Hungary: Testing models of civic engagement. *East European Politics and Societies*, 33(3), 555-578.

Leighley, J. E., & Nagler, J. (2013). *Who votes now?: Demographics, issues, inequality, and turnout in the United States*. Princeton University Press.

Magdelina Kitanova (2020) Youth political participation in the EU: evidence from a cross-national analysis, *Journal of Youth Studies*, 23:7, 819-836, DOI: 10.1080/13676261.2019.1636951

Mishler, W., & Rose, R. (2005). What are the political consequences of trust? A test of cultural and institutional theories in Russia. *Comparative Political Studies*, 38(9), 1050-1078.

Moinul Islam, A. N. (2017). The Performance-Participation Nexus in Bangladesh: Evidence from a Panel Data Analysis. *Journal of South Asian Development*, 65-88.

- Muhammad Saud, Rachmah Ida & Musta'in Mashud (2020) Democratic practices and youth in political participation: a doctoral study, *International Journal of Adolescence and Youth*, 25:1, 800-808, DOI: 10.1080/02673843.2020.1746676
- Neilson, L. A., & Paxton, P. (2010). Social capital and political consumerism: A multilevel analysis. *Social Problems*, 57(1), 5-24.
- Oser, J., & Hooghe, M. (2018). Democratic ideals and levels of political participation: The role of political and social conceptualisations of democracy. *The British Journal of Politics and International Relations*, 20(3), 711-730. [10.1177/1369148118768140](https://doi.org/10.1177/1369148118768140)
- Salovaara, I. (2015). Digital democracies and networked publics. In J. Zielonka (Ed.), *Media and politics in new democracies: Europe in a comparative perspective* (pp. 154-64). Oxford: Oxford University Press.
- Strömbäck, J., Falasca, K., & Kruike-meier, S. (2018). The mix of media use matters: Investigating the effects of individual news repertoires on offline and online political participation. *Political Communication*, 35(3), 413-432.
- Suh, H. (2013). Correlation between social capital and political participation: Considering national economic, political development, and economic inequality. *University of Arizona*, 1-28.
- Tolbert, C. J. & Mossberger, k. (2006). The Effects of E-Government on Trust and Confidence in Government. *Public Administration Review*, May/June.
- Welch, E. W., Hinnant, C. C., & Moon, M. J. (2005). Linking citizen satisfaction with e-government and trust in government. *Journal of public administration research and theory*, 15(3), 371-391.
- Yamamoto, M., & Nah, S. (2018). Mobile information seeking and political participation: A differential gains approach with offline and online discussion attributes. *New Media & Society*, 20(5), 2070-2090.
- Yamamoto, M., & Nah, S. (2018). Mobile information seeking and political participation: A differential gains approach with offline and online discussion attributes. *New Media & Society*, 20(5), 2070-2090.